موافقت طبع خط و فطرت بشر با وجود نقطه در آن

علی ای حال در اینکه نقطه نمی گذشتند اصلاً تردیدی نیست. اما در اینکه نقطه نبوده، اصلا اینطور نیست. حاجی خلیفه در کشف الظنون و سائرین، شواهدی از قدیم میآورند. من وارد بحث آن نشدهام. اینکه گفتم در دومی به اطمینان رسیدهام به این دلیل بود. یکی از کسانی که در مصحف امیری خیلی زحمت کشیده، «حفنی ناصف» است؛ مصری است. کتابی دارد به نام «تاریخ الادب او حیاة اللغة العربیة». از نوشتههای او میتوان استفاده کرد. چون شخص قویای است. او هم بهصورت واضح مسخره میکند. میگویی اصلاً معقول است؟! شواهد را در صفحه «تعاضد الرسم و القراءات» ببینید. من استشهادات دقیقی کردهام که خط نبطی بعد از خط فنیقی و آرامی است. آنها حروف را جدا مینوشتند و اینها بعداً وصل کردند. حروف، دقیقاً هویت خطی پیدا کرده بودند. و شواهد دیگری هم هست. در توحید صدوق نگاه کنید. مرحوم صدوق میخواهند بگویند «ج»، «ح» و «خ». در خیلی از جاها حروف را جدا مینوشتند. لذا این معقول است روز اولی که مینوشتند بدون نقطه بنویسند و فقط مینوشتند «ح»، «ح»، «ح»؟! فطرت بشر این کار را میکند که یک صورت واحد را برای سه لفظ بیاورد؟! یعنی حروف المعجم انفصال و واحد بودنشان، قبل از اتصالشان به خط است.

مثلاً حروف مقطعه؛ در حروف مقطعه خیلی جالب است؛ نوع حروف مقطعه از حروفی هستند که نقطه ندارند. البته در رسم المغاربه قبلاً داشتهاند. حال میگویند چون لفظ نبوده یکی را گذاشتهاند و یکی را برداشتهاند. مثلاً «کهیعص»[1]. این را چطور در مصحف مینوشتند؟ تمام مصاحف را نگاه کنید. کسی که میخواهد، در اینجا به چه صورت بخواند؟ مقری هم ندارد. بخواند:کاف هاء نون؟! کاف هاء یاء؟! کاف هاء تاء؟! کاف هاء باء؟! چند احتمال دارد. لذا این معقول است که بگوییم ما یک خطی داریم که خام است؟! خط خام یعنی این؟! لذا آقای ناصف میگوید اصلاً معقول نیست.

---

[1]مریم۱

بازبینی #2
ایجاد شده 12 ژوئن 2024 11:41:40 توسط ... .
به روزرسانی شده 20 ژوئن 2024 15:10:07 توسط ... .